

زمان پیشنهادی: ۱۵ دقیقه

## املا و لغت

۱- در عبارت «متأسفانه در اعصار متمادی روی داده‌های تلخی تاریخ سرزمینمان را تحت‌الشعاع قرار داده‌است؛ به‌طوری‌که ریشه‌ی فرهنگ ایران را درنوردیده‌اند. در این بهبوحه افرادی طاغی داشته‌های فرهنگی ما را به یغما برخاسته‌اند و در برابر بی‌عزمی هم‌میهنان در لاک خود فرورفته هیچ حائلی بر سر راه خود احساس نکرده‌اند.» چند غلط املائی و رسم‌الخطی به چشم می‌خورد؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲- در عبارت «خواجه نظام‌الدین عیب‌الله معروف به عبید ذاکانی در یکی از توابع قزوین چشم به جهان گشود و گوی سبقت از طبایع ظریفان زمانه ربود. او توانست با چاشنی طنز و حزل و مزاح و حجو و نظیره‌سازی و گاهی در لباس اقتضاب و گاه در جیب رؤیت و تفکر تعدی و تباهی نظام حاکم را به تصویر بکشد.» چند غلط املائی و رسم‌الخطی به چشم می‌خورد؟

(۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

۳- در عبارت «آخرلامر از هر دو اندیشه‌ی متعارض این مرجح پیش‌خاطر او آمد و بی‌واسطه‌ی سفیر و مشیر زبان گشود و گفت من به آن که دست قدرت دارم و بازی صولت پیل مست را در پای آرم ایزد تعالی مرا به صفت داد و دهش مخصوص عنایت گردانیده است و به خلاف امسال خویش دست از خون دیگر جانوران کوتاه کردم.» املائی کدام واژه‌ها نادرست است؟

(۱) آخرلامر، امسال (۲) آخرلامر، مرجح (۳) مرجح، سفیر (۴) مرجح، صولت

۴- در عبارت «اگر به یک ایرانی صفات مضموم دروغگو، رزل و یغماگر انتصاب دهند چه بسا چندان متأثر نشود ولی اگر به همان شخص یزید یا شمر خطاب کنند، آتش غیض و غضب در ضمیر او شعله‌ور می‌شود.» چند غلط املائی دیده‌می‌شود؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۵- در عبارت «چون سورت خشم شهریار، بنشست و ساحت سینه از گرد عداوت و مناژتت پاک گردانید، کلمه‌ای که لایق سیره‌ی حمیده‌ای او بود بر زبان براند و شرایط حفظ غیب که از قضایای فتوت و مروت خیزد در کسوتی زیننده و حلیتی شایسته مرعی داشت.» چند غلط املائی وجود دارد؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۶- در کدام عبارت شمار غلط‌های املائی بیش‌تر است؟

(۱) پس آن مرد نصرانی با خود گفت که در اندرون مسجد شوم از جهت استمء سخن این مرد که برگرد او چندین ازدحام است.

(۲) و اگر در این کار ناقه‌ای داشتمی، پس از گزاردن آن، فرصت‌ها بود مرا و بر درگاه ملک ملازم نبودمی و منتظر بلا نشستمی.  
(۳) گفتند فلان عامل را ضیاء بسیار بود و فرزندان او مهجورند. اگر مثال باشد بعضی اموال او در تصرف آریم که دیوان را طوفیر تمام باشد.

(۴) اگر مصائبی پیش آید به ایمان و تقوا تمسک توان نمود و یکی از ثمرات تقوا آن است که از حسرت فنا و ذوال دنیا فارق توان زیست.

## ۷- در کدام گزینه غلط املائی دیده نمی‌شود؟

- (۱) و مَلِک در اعزاز آن کافر نعمتِ غَدَّار افراط نمود و در حرمت و نفاذ امر، او را نظیر نفس خویش گردانید.  
 (۲) و مالی خطیر در صحبت تو حمل فرموده می‌آید تا هر نفقه و معونت که بدان حاجت افتد، تکفل کنی.  
 (۳) و آن‌گاه مثال داد تا طالعی میمون برای حرکت او تعیین کنند و در صحبت او پنجاه صرّه دینار حمل فرمود.  
 (۴) از اهل فسق و فجور احتراز باید کرد اگرچه دوستی و قرابت دارند، که مَثَلِ مواصلت ایشان چون تربیت مار است.

## ۸- در عبارت «از زمانی که بغداد تحت استیلای ایرانیان درآمد تا سال ۱۶۳۸ میلادی که به‌طور قطع به دست مغول‌ها افتاد،

این دارالملک قدیم مسلمانان تحت تأثیر جذر و مدهای جنگ‌های بی‌حساب، به کرات از این دست به آن دست گشت تا بلطیع به واسطه‌ی ضعف و فتور روزافزون آخرین پادشاهان صفویه، دولت عثمانی صاحب بالامعارض بین‌النهرین شد.» چند اشتباه املائی و رسم‌الخطی به چشم می‌خورد؟

- (۱) پنج (۲) چهار (۳) سه (۴) دو

## ۹- در عبارت «و بدان که چون سفینه‌ی عمر به ساحل رسید و آفتاب امل بر سر دیوار فنا رفت، مرد را جز تضرع و طوع و

توبه و عنابه و فکرت صواب و عقاب و بازگشت به حسن معاب هیچ روی نیست.» چند غلط املائی دیده می‌شود؟

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

## ۱۰- در عبارت «آن آب سلسال لطف که صلصال انواع غریزت ایشان بدان معجون کرده‌اند، هر لحظه به نوعی ترشح کند و

از ورود اندک مایع بلا تکدر یابد و از مجاورت کم‌ترین شاعبه تغیر فاحش پذیرد.» چند غلط املائی دیده می‌شود؟

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

## پاسخ کلیدی

- |       |        |       |       |
|-------|--------|-------|-------|
| ۳ (۱) | ۲ (۲)  | ۱ (۳) | ۴ (۴) |
| ۱ (۵) | ۳ (۶)  | ۱ (۷) | ۲ (۸) |
| ۳ (۹) | ۳ (۱۰) |       |       |

## پاسخ‌نامه‌ی آموزشی - تحلیلی

۱- گزینه‌ی ۳

تحت الشعاع // به طوری // بحبوحه (طاغی: طغیان‌گر // حائل: مانع)

۲- گزینه‌ی ۲

خواجه // زاکانی // هزل (سخن خنده‌دار) // هجو (تمسخر دیگری) // (طبایع: طبع‌ها و سرشت‌ها // اقتضاب: بدیهه‌سُرایی، ارتجالی سخن‌گفتن؛ متضاد «رؤیت و تفکر»)

۳- گزینه‌ی ۱

آخر الامر (افتادن «ا» از «ال» املا را نادرست می‌کند).

امثال: همانندها، مثل‌ها و مانندها

۴- گزینه‌ی ۴

صفات مذموم (مذمت شده، نکوهیده)، رذل (فرومایه و ناکس) انتساب (نسبت‌دادن)، غیظ (خشم)

۵- گزینه‌ی ۱

تنها املا‌ی منازعت (هم‌ریشه‌ی «نزاع» به معنای دشمنی و جنگ) نادرست آمده‌است.

مرعی داشتن: رعایت کردن

سورت خشم: شدت خشم

۶- گزینه‌ی ۳

در گزینه‌ی نخست استماع (هم‌ریشه‌ی «سمع» به معنای شنیدن) غلط نوشته شده‌است. (نصرانی: مسیحی، ترسا).  
در گزینه‌ی دوم: املا‌ی ملازم (هم‌ریشه‌ی «لازم و ملزوم» به معنای همراه) نادرست است. («گزاردن» برای کدام کلمه به کار رفته‌است؟ بله، «کار»؛ پس املا‌ی آن درست است. زیرا کار را به جا می‌آوریم یا انجام می‌دهیم).  
در گزینه‌ی سوم املا‌ی ضیاع (زمین و املاک)، محجور (ناقص عقل، کسی که نمی‌تواند بر اموال خود تصرف کند) و توفیر (سود، تفاوت) نادرست است.

در گزینه‌ی چهارم املا‌ی زوال (نابودی، ناپدیدشدن) و فارغ (آسوده) غلط است. (تمسک: چنگ‌زدن، دستاویز ساختن).



تمام واژه‌های عربی را که به «ی» پایان می‌یابند می‌تواند با «ا» نیز نوشت:

تقوی = تقوا // هدی = هدا / موسی = موسا و ...

به‌ویژه اگر این واژه‌ها وابسته‌ی پسین بگیرند، دیگر مجبوریم که حرف پایانی آن‌ها را به شکل «ا» بنویسیم:

تقوای بسیار // عیسیای مریم // مصطفای بدقواره و ...

۷- گزینه‌ی ۱

در گزینه‌ی دوم: نفقه (از ریشه‌ی «انفاق» به معنای بخشش به زن و فرزند) با مؤنث (مؤنث) به معنای خرج و هزینه (یا رنج و سختی) تناسب معنایی دارد نه «معونت» به معنای تعاون و یاری. («خطیر» در این‌جا به معنای مهم است نه خطرناک).

در گزینه‌ی سوم: تعین (به چشم دیدن و یقین کردن) اشتباه است و باید به جای آن تعیین نوشته می‌شود.

در گزینه‌ی چهارم نیز املا فسق (بدکاری) غلط است. (مواصلت: پیوستگی // نفاذ: روان‌شدن کار و فرمان)

## ۸- گزینه‌ی ۲

- ۱- دار + ال + مُلک ← دارالملک (پایتخت)
  - ۲- جزر و مد (جزر: ریشه‌ی دوم اعداد)
  - ۳- ب + ال + طبع ← بالطبع (طبیعتاً)
  - ۴- بلا + معارض ← بلامعارض (بدون رقیب)
- (کرات: بارها // فتور = فترت: ضعف و سستی، فاصله)

## ۹- گزینه‌ی ۳

- ۱- انابه = انابت (بازگشت به سوی خدا، توبه)
  - ۲- ثواب و عقاب (پاداش و کیفر اخروی)
  - ۳- مآب (جای بازگشت)
- (آفتاب امل بر سر دیوار فنا رفت: آرزوها بر باد رفت)

## ۱۰- گزینه‌ی ۳

- ۱- اناء<sup>۱</sup> (کوزه)
  - ۲- اندک‌مایه<sup>۲</sup> (کمی، اندکی)
  - ۳- شائبه (عیب، شک و گمان)
- (سلسال: آب روشن و گوارا // صلصال: گل خشک‌شده ← صلصال اناء غریزت: گل خشکِ کوزه‌ی غریزه‌های حیوانی)

---

 ۱- عینا: رنج و سختی

۲- واژه‌ی «مایع» تازگی‌ها در ادبیات فارسی کاربرد یافته است و در ادبیات گذشتگان کاربرد نداشته است. معانی مایه: ۱- پول و سرمایه، ۲- اندازه و مقدار

۳- علت و سبب، اصل و بنیاد